

جغرافیای اقتصادی دشت همدان - بهار در دوره اسلامی (از قرن سوم هجری قمری تا اواخر دوره قاجار) براساس اسناد مکتوب تاریخی و جغرافیایی

محمدابراهیم زارعی*

مصطفی رضایی**

چکیده

دشت همدان - بهار از دیرباز، به لحاظ ویژگی‌های جغرافیایی و استراتژیکی، دارای الگوهای اقتصادی خاص و متفاوتی با مناطق پیرامون خود بوده است. توجه حکام به همدان در دوره سلجوقیان اهمیت این منطقه را به علت جایگاه خاص آن در ایالت جبال بیان می‌کند. مقاله پیش رو مهم‌ترین الگوهای معیشتی حاکم بر دشت همدان - بهار و تأثیر راه‌های ارتباطی و عوامل زیست‌محیطی در اقتصاد این منطقه را بررسی می‌کند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی متون جغرافیایی و تاریخی دست‌اول دوره اسلامی، با ماهیت تحقیقات تاریخی، و با روش توصیفی - تحلیلی، به تبیین وضعیت اقتصادی همدان از قرن سوم تا سیزدهم هجری قمری پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دو عامل اساسی وضعیت زیست‌محیطی مساعد (آب‌وهوای معتدل کوهستانی با خاک حاصل‌خیز) و قرارگرفتن همدان بر سر مهم‌ترین مسیرهای ارتباطی شرق به غرب به ترتیب موجب کشت و فراوانی انواع محصولات کشاورزی و نیز حضور بازرگانان و تاجران داخلی و خارجی در این شهر بوده است که به تبع آن، رونق اقتصادی این منطقه را در پی داشته است.

کلیدواژه‌ها: اسناد مکتوب، الگوهای معیشتی، جغرافیای اقتصادی، دشت همدان - بهار، دوره اسلامی.

* استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، mohamadezare@yaho.com
** دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)
rezaei.mostafaa@yaho.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۰

۱. مقدمه

علم مطالعه مکان و پراکندگی و سازمان محیطی فعالیت‌های اقتصادی در یک منطقه در اصطلاح «جغرافیای اقتصادی» نامیده می‌شود. این علم شاخه‌ای از جغرافیای انسانی است که از تولید و توزیع و مصرف فرآورده‌های گوناگون بحث می‌کند. علم اقتصاد، به‌طور کلی کوشش انسان در خصوص شیوه‌های تولید و مصرف و چگونگی روابط پدیده‌های اقتصادی و فلسفی و نظریه‌های این علم را بررسی می‌کند، حال آن‌که جغرافیای اقتصادی ما را از نتیجه تلاش‌ها و کوشش‌های انسان در مورد تولید و مصرف و توزیع ثروت در مناطق گوناگون آگاه می‌سازد. در این شاخه از جغرافیا، به موقعیت فعالیت‌های اقتصادی هم از جنبه عملی و هم از جنبه نظری توجه خاص می‌شود (فطرس ۱۳۶۸: ۵۲ - ۵۳؛ مطیعی لنگرودی ۱۳۷۲: ۳۳۵ - ۳۳۶). در مطالعه سیمای شهرها، به‌ویژه در مطالعات تاریخی، توجه به وضعیت جغرافیای اقتصادی و عوامل مؤثر در آن، از جمله عوامل اساسی در مطالعه جغرافیایی مکان‌ها به‌شمار می‌رود. به‌عبارت‌دیگر، در جغرافیای اقتصادی نظریه‌های اقتصادی بحث نمی‌شود، بلکه مشاهدات و ملاحظات مربوط به اقتصاد و جغرافیا را در بر می‌گیرد؛ آب‌وهوا و رفتار انسان در طبیعت و سایر عوامل جغرافیایی و شناخت ویژگی‌های اقلیمی و تأثیر آن در محصولات کشاورزی، پرورش احشام، شناخت منابع طبیعی از قبیل آب، خاک، جنگل، مرتع، و معادن برای تولیدات صنعتی، راه‌ها، بنادر، و آب‌راه‌ها برای مواصلات و حمل‌ونقل محصولات کشاورزی و صنعتی و منابع طبیعی برای تولید نیرو و سوخت بررسی و تحلیل می‌شود. دست‌رسی آسان به منابع آبی نیز از دیگر مؤلفه‌های مهم در مطالعه جغرافیای اقتصادی است که نقش اساسی را در الگوهای معیشتی رایج در هر منطقه ایفا می‌کند (آذرخش و فیاض انوش ۱۳۹۴: ۲؛ محتشم نوری ۱۳۸۸).

با وجود جایگاه مهم همدان در تاریخ ایران و نیز قدمت کهن همدان‌پژوهی، جنبه‌های مختلف حیاتی این شهر، از جمله جنبه‌های اقتصادی و معیشتی برجای مانده در اسناد مکتوب، در میان پژوهش‌های نوین مغفول مانده است. با این حال، با بهره‌گیری از اطلاعات مستند برجای مانده از این شهر می‌توان تاحدی، بازسازی مقبولی از روند وضعیت اقلیمی و تأثیر آن در الگوهای معیشتی، مسیرهای ارتباطی، وضعیت کشاورزی، صنایع و معادن، تجارت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ارائه کرد. مهم‌ترین مسئله‌ای که بارها در متون تاریخی دیده می‌شود، وضعیت اقلیمی مساعد این شهر در فصول بهار و تابستان است که به بهشت و عروس شهرهای ایران مانند شده است. مسیر قرارگرفتن همدان، چه به لحاظ ارتباطی —

تجاری و چه به لحاظ لشکرکشی و هجوم اقوام به این منطقه، موجب حضور بازرگانان و تاجران ملل دیگر در آن جا بوده است. با توجه به ابهامات موجود، در این پژوهش، سعی بر آن است تا با بهره بردن از اسناد مکتوب قرن سوم تا سیزدهم هجری قمری، بازسازی مقبولی از وضعیت کلی الگوهای معیشتی رایج در این منطقه ارائه شود. این پژوهش تلاشی است برای پاسخ گویی به این پرسش ها که عبارت اند از: ۱. عوامل محیطی و جغرافیای طبیعی همدان چه نقشی بر معیشت مردم طی دوره اسلامی داشته است؟ ۲. مهم ترین الگوهای معیشتی حاکم بر این منطقه، در محدوده زمانی مورد مطالعه، چه مواردی است؟

۱.۱ روش تحقیق

در این پژوهش، کوشش بر آن است تا با استفاده از ماهیت تحقیقات تاریخی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، از جمله جمع آوری و جمع بندی اسناد و اطلاعات تاریخی مکتوب در گزارش های جغرافی نویسان و مورخان و سیاحان درون مرزی و برون مرزی قرن سوم تا سیزدهم هجری قمری، وضعیت معیشتی حاکم در منطقه مدنظر بازنمایی شود تا براساس آن، چشم انداز مستندی از اوضاع اقتصادی شهر همدان ارائه شود. از آنجایی که نخستین اشارات در خصوص موضوع مورد مطالعه در اسناد قرن های سوم و چهارم هجری قمری دیده می شود و بیش ترین آن نیز از اسناد دوره های متأخر اسلامی (صفوی تا قاجار) برجای مانده است، بازه زمانی پژوهش شده و اسناد بررسی شده در این جا متون بازمانده از قرن سوم هجری قمری تا اواخر دوره قاجار است. در پژوهش حاضر، ۳۴ منبع دست اول بررسی و تحلیل شده اند. حوزه مورد مطالعه در این پژوهش براساس اشارات تاریخی مکتوب، علاوه بر خود شهر همدان، منطقه زیست محیطی همدان - بهار است که حوزه زیست محیطی و فرهنگی وسیع و غنی یک پارچه ای را در بر می گیرد.

۲.۱ پیشینه پژوهش

در زمینه جغرافیای اقتصادی همدان طی دوره اسلامی در کتاب ها و مقاله های منتشر شده، تاکنون مطالعات هدف مندی درباره شناخت وضعیت معیشتی این شهر در محدوده زمانی مورد پژوهش براساس اسناد مکتوب انجام نگرفته است. با این حال، در برخی از تک نگاره های دردست، اشارات مختصری براساس اسناد دست اول درباره موضوع پژوهش دیده می شود که مهم ترین آن ها عبارت اند از: *تذکره جغرافیای تاریخی ایران؛ بخش ری و*

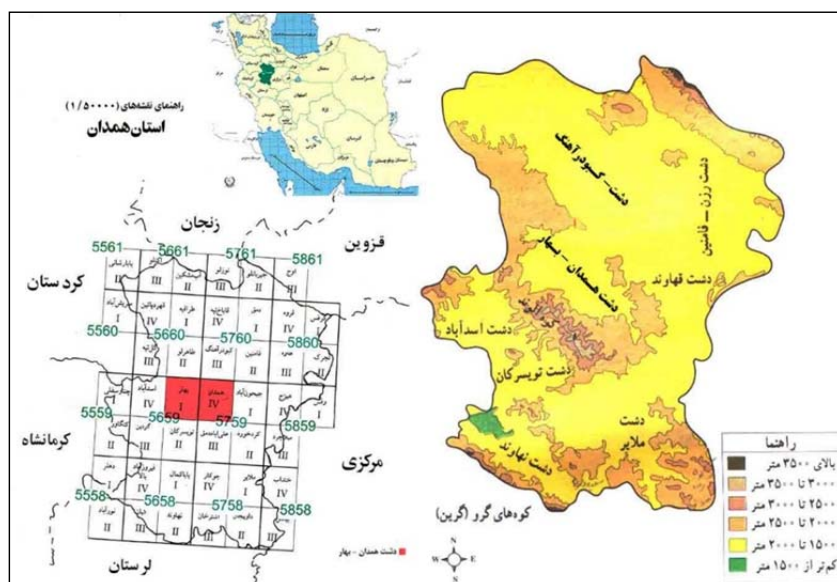
همدان (بارتولد ۱۳۰۸)؛ جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت‌های شرقی، فصل سیزدهم: ایالت جبال (لسترینج ۱۳۶۴)؛ همدان‌نامه؛ بیست گفتار دربارهٔ مادستان (اذکایی ۱۳۸۰)؛ جغرافیای تاریخی و ... زیستگاه‌های دره‌ای الوند (گروسین ۱۳۸۳)؛ «جغرافیای تاریخی و شهری همدان در سده‌های نخستین اسلامی» (احمدی‌منش ۱۳۹۰)؛ «ساختار کالبدی - فضایی شهر همدان از آغاز دورهٔ اسلامی تا پایان دورهٔ قاجار براساس مدارک و شواهد موجود» (زارعی ۱۳۹۰)؛ شکوه الوند (جهان‌پور ۱۳۹۱)؛ «هویت تاریخی جغرافیای همدان در متون مورخان اسلامی از آغاز تا عصر قاجار» (یغمایی و پورشعبانیان ۱۳۹۳).

۲. موقعیت و ویژگی‌های جغرافیایی دشت همدان - بهار

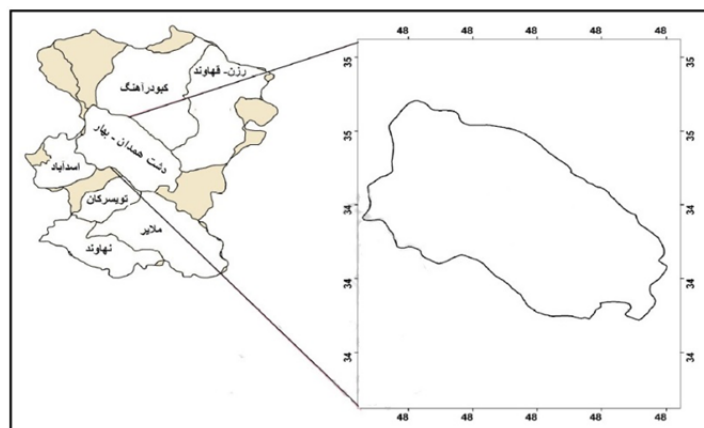
همدان در منطقهٔ غرب ایران و در جوار زاگرس مرکزی قرار گرفته است (نقشهٔ ۱). منطقهٔ زاگرس مرکزی، از گذشته‌های دور، دربرگیرندهٔ منطقه‌ای در طول شاه‌راه خراسان بزرگ است و مسیر طبیعی بغداد به همدان است (هول ۱۳۸۱: ۵۱). این مسیر مهم‌ترین راه ارتباطی ایران با بین‌النهرین است که از دورهٔ پیش از تاریخ تا دوران معاصر به‌منظور تبادل کالا و اطلاعات، لشکرکشی‌های نظامی، و سفرهای زیارتی رونق داشته است (دوپلانول ۱۳۸۶: ۵۴۷). حوزهٔ آبریز دشت همدان - بهار، که به سیمینه‌رود نیز موسوم است، با وسعت ۲۴۵۹ کیلومتر مربع، در دامنهٔ شمالی ارتفاعات الوند و در درهٔ وسیعی قرار دارد که از دو طرف، کوه‌های بلندی آن‌جا را احاطه کرده است. وسعت دشت ۸۸۰ کیلومتر مربع و گسترش سطحی آب‌خوان اصلی دشت ۴۶۸ کیلومتر مربع است که در حدفاصل ارتفاع ۱۷۰۰ تا ۱۸۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد و کم‌ترین وسعت را درین دشت‌های منطقهٔ همدان در بر می‌گیرد. این دشت از معبر باریکی در ناحیهٔ شمالی با دشت‌های کبودرآهنگ و قهاوند ارتباط هیدروژئولوژیکی دارد. اکثر آب‌ها و رودخانه‌هایی که از بخش‌های شمالی و غربی کوهستان الوند جاری می‌شوند، همگی به این دشت سرازیر می‌شوند. خروجی حوزه در ناحیهٔ شمالی این منطقه (اراضی کوشک‌آباد در ارتفاع ۱۶۸۰ متری) واقع شده است و سفرهٔ آب زیرزمینی آن با دشت‌های کبودرآهنگ و قهاوند ارتباط هیدروژئولوژیکی دارد. جریان آب‌های زیرزمینی در این دشت از غرب و جنوب غربی به طرف مرکز دشت و در جهت شمال شرقی در جریان است. شاخص‌ترین رودخانه‌های جاری در این حوزه زیستی عبارت‌اند از سیمینه‌رود و بهادر بیگ و قره‌آغاج (زارع ایبانه ۱۳۹۲: ۶۸؛ نوذری و زالی ۱۳۹۲: ۲۸۰ - ۲۸۱؛ فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور ۱۳۷۶: ۷۵). دشت سیمینه‌رود به‌علت آبرفتی‌بودن خاکی حاصل‌خیز دارد. امروزه

شهرهای همدان، جورقان، مریانج، بهار، لالچین، مهاجران، و صالح آباد مهم ترین مناطق شهری واقع در این حوزه زیستی به شمار می روند (سدهی و رحمانی ۱۳۸۳: ۴۳). رشته کوه الوند و شهر همدان در جنوب و جنوب شرق این دشت قرار دارد و از جهت غرب نیز به کوه های آهکی پراکنده غربی منتهی می شود. این دشت به لحاظ مختصات جغرافیایی UTM از جهت غربی در مختصات $ME\ 255427.93$ ، $MN\ 3869449.55$ ، از جهت شرقی در $ME\ 296375.00$ ، $MN\ 3863485.89$ ، از جهت شمالی در $ME\ 269219.53$ ، $MN\ 3884337.18$ و از جهت جنوبی در $ME\ 287424.84$ ، $MN\ 3849661.12$ منطقه ۳۹S قرار دارد (فرهنگ جغرافیایی شهرستان های کشور ۱۳۸۰: ۶۳؛ فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور ۱۳۷۶: ۷۵؛ نوذری و زالی ۱۳۹۲: ۲۸۱). حدود دشت همدان - بهار بدین قرار است:

۱. از سمت شمال به خط الرأس ارتفاعات کمر زرد و شیخی جان؛
۲. از سمت شرق به خط الرأس ارتفاعات ارجنی و قوش قیسی؛
۳. از سمت غرب به خط الرأس ارتفاعات آلمابلاغ، شیخی جان و محدوده های مطالعاتی ممنوعه اسدآباد؛
۴. از سمت جنوب به خط الرأس ارتفاعات الوند (سدهی و رحمانی ۱۳۸۳: ۴۳؛ نیز بنگرید به نقشه ۱ - ۳).



نقشه ۱. مختصات جغرافیایی دشت همدان - بهار (محمدی و شعبانی ۱۳۹۵: ۱۳۷)



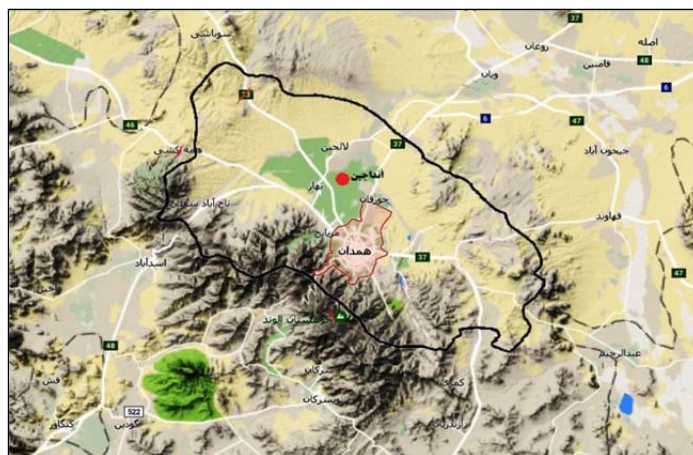
نقشه ۲. موقعیت جغرافیایی دشت همدان - بهار (زارع ایبانه ۱۳۹۲: ۶۹)

دشت همدان - بهار، از نظر اقلیمی، دارای آب و هوای خشک و بارندگی آن از گونه اقلیم مدیترانه‌ای است. به لحاظ بارش، این حوزه جزو نواحی نیمه خشک ایران است. این منطقه در فصول مختلف آب و هوای متغیر دارد. به طور کلی، منطقه همدان - بهار دارای زمستان‌های سرد و طولانی و تابستان‌های تقریباً گرم و خشک است. از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در آب و هوای این منطقه، می‌توان به عرض جغرافیایی، ارتفاعات اطراف (نزدیکی به رشته کوه‌های زاگرس)، ارتفاع مکان، امتداد کوه‌ها، وجود کوه‌های مرتفع، رودخانه‌ها و چشمه‌سارها، جابه‌جایی توده‌های هوا، و فاصله از دریا اشاره کرد که دست‌کم در حدود دویست روز از سال این منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سالنامه آماری استان همدان ۱۳۹۴؛ فرهنگ جغرافیایی شهرستان‌های کشور ۱۳۸۰: ۲۳ - ۲۴). متوسط آمار بارندگی سالانه در دوره آماری ۳۹ ساله، براساس داده‌های ایستگاه باران‌سنجی همدان و سد اکباتان و آق‌کهریز (بهدر بیگ)، ۳۲۴ میلی‌متر است (نوذری و زالی ۱۳۹۲: ۲۸۰). جبهه جنوبی و جنوب غربی دشت همدان - بهار به سلسله کوه‌های الوند منتهی می‌شود که به شدت تحت تأثیر آب و هوای این ارتفاعات قرار دارد. جابه‌جایی توده‌های هوا در تعیین نوع آب و هوای هر منطقه سهم مهمی دارد. مجموعه این عوامل سبب شده تا همدان همواره از شهرهای بیلاتی و خوش آب و هوای ایران در فصول بهار و تابستان باشد. این منطقه به علت دارا بودن زمستان‌ها و یخبندان‌های طولانی از مناطق سردسیر کشور است (فرهنگ جغرافیایی شهرستان‌های کشور ۱۳۸۰: ۲۳ - ۲۴).

کوهستان الوند، بر اثر ارتفاع بلند، چشمه‌ها و رودخانه‌های پرآبی دارد که همگی آن‌ها به سمت دشت‌های پیرامون در جریان‌اند. اغلب آب‌راه‌های جاری از این ارتفاعات به

دشت همدان - بهار (دلتای الوند) منتهی می‌شوند که این خود عاملی مهم در تأمین آب منطقه و کشاورزی پررونق آن جا به‌شمار می‌آید (فرهنگ جغرافیایی کوه‌های کشور ۱۳۸۱: ۵۰۱). این منطقه به علت وضعیت زمین‌شناسی و اقلیمی منطقه‌ای که در آن قرار دارد، همواره دارای خاک حاصل‌خیز با توان کشت و باروری بالا (خاک‌های آنتی‌سولز و اینسپتی سولز/ از نوع رسی - شنی مایل به سیاه) جهت کشاورزی و شکل‌گیری مراتع غنی برای چرای دام است. علاوه بر آن، وجود چین‌خوردگی‌ها در جهت غربی و جنوبی کوهستان الوند باعث شکل‌گیری دره‌های حاصل‌خیز و پرآب (دره ماوشان‌رود، دره عباس‌آباد، و دره مرادیبک) در کناره دشت همدان شده است (گروسین ۱۳۸۳: ۳۴ - ۳۵).

در نواحی دشتی و دشت‌های دامنه‌ای همدان به دلیل شیب کم زمین، خاک حاصل‌خیز، آب‌های سطحی و زیرزمینی مطلوب، فعالیت‌های کشاورزی در مقایسه با مناطق کوه‌پایه‌ای رونق بیش‌تری دارد. داخل دره‌ها و حاشیه رودخانه نیز بیش‌تر باغ‌ها و تاکستان‌ها و قلمستان‌ها دیده می‌شود (فرهنگ جغرافیایی شهرستان‌های کشور ۱۳۸۰: ۵۷ - ۶۰). وضعیت اقلیمی مساعد منطقه همدان و نیز دسترسی به منابع آب، بی‌تأثیر در رشد محوطه‌های دوره اسلامی دشت همدان - بهار و نیز وسعت شهر همدان نبوده است. در واقع، از عوامل اصلی رونق و گسترش استقرارها در این منطقه منابع آبی فراوان است (شعبانی ۱۳۹۴). این منطقه، با زمستان‌های سرد و تابستان‌های معتدل، مراتع چرای بهاری و تابستانی را برای عشایر فراهم می‌کند، تاحدی که عشایر استان‌های هم‌جوار هر ساله به این منطقه از کشور کوچ بیلاقی می‌کنند (جهان‌پور ۱۳۹۱: ۲۶۳؛ زنده‌دل ۱۳۷۶: ۳۰؛ آقامحمدی و شرفی ۱۳۹۰: ۸۶ - ۸۷).



نقشه ۳. محدوده تقریبی دشت همدان - بهار به همراه تغییرات نگارندگان (www.googlemaps.com)

۳. جغرافیای اقتصادی

۱.۳ راه‌های ارتباطی

همدان از دیرباز در مسیر چندین راه مهم قرار گرفته است و همواره این شهر را به سایر نقاط مهم کشور مرتبط می‌سازد. به همین دلیل، مرکز تجاری و صنعتی مهمی به‌شمار می‌رفته است. به‌لحاظ موقعیت جغرافیایی، دشت همدان - بهار در مسیر یکی از اصلی‌ترین راه‌های شرق به غرب قرار گرفته است. با توجه به پژوهش‌های نوین، یکی از مسیرهای شاه‌راه خراسان بزرگ (از بابل و بغداد تا مرو و بلخ)، جاده «سمیرامیس» افسانه‌ای، «جاده لاجورد» دوران بابل و آشور، «جاده ابریشم» عصر اشکانی و ساسانی، و راه حج‌ج دوران اسلامی از دشت همدان می‌گذشته است. در دوره هخامنشی «جاده شاهی» نیز از اصطخر و شوش، مستقیم با عبور از دره‌های طولانی درون زاگرس جنوبی، سرانجام به هگمتانه می‌رسید و در آن‌جا به خطوط مزبور متصل می‌شد (اذکایی ۱۳۸۰: ۴؛ احمدی‌منش ۱۳۹۰: ۱۲). به‌بیانی دیگر، از جمله مهم‌ترین مسیرهای تجاری ایران در دوره تاریخی جاده شاهی بوده است که از بابل آغاز می‌شد و با گذر از تنگنای زاگرس به کرمانشاهان و اکباتان می‌رسید. شاه‌راه مبادلات بازرگانی خراسان بزرگ نیز از طریق بابل، سرپل ذهاب، بیستون، همدان، و ری آسیای غربی را به آسیای مرکزی پیوند می‌داد. از آن‌جا به ری می‌رفت و در امتداد جنوب البرز به بلخ می‌رسید (اذکایی ۱۳۸۰: ۴). این منطقه، از یک سو بر سر راه حمل کالا از طریق تبریز به نواحی آسیای صغیر (ترکیه امروزی)، دریای سیاه و طرابوزان بوده و از سوی دیگر، در مسیر حرکت به مناطق جنوب غرب ایران و کشور عراق، به ویژه شهرهای بصره و بغداد، قرار داشته است (بارتولد ۱۳۰۸: ۱۵۶).

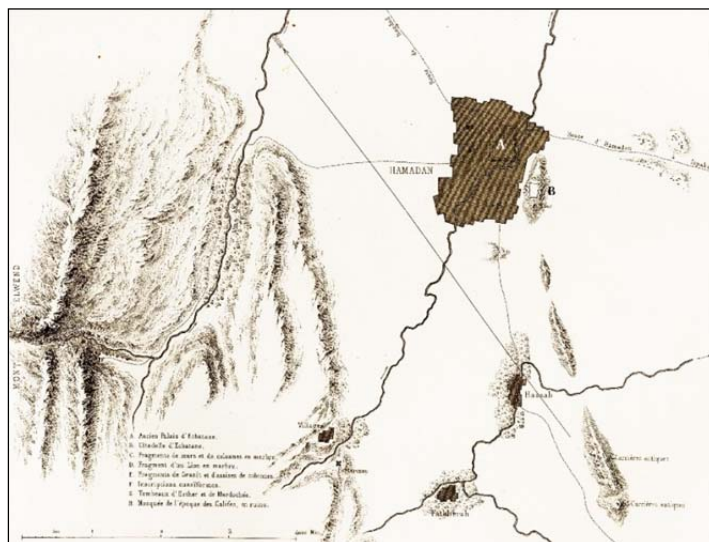
در دوره اسلامی، به‌ویژه از قرن سوم تا هشتم هجری قمری، مورخان و جغرافی‌نویسان آگاهی‌های مفیدی درباره مسیرهای همدان و مناطق هم‌جوار نوشته‌اند که تا حدی می‌توان با مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه‌های این منطقه با مناطق هم‌جوار آشنا شد. این مسیرها بدین قرارند:

۱. مسیر همدان - حلوان (اصطخری ۱۳۴۰: ۱۶۲ - ۱۶۳؛ ابن حوقل ۱۳۶۶: ۱۰۲ - ۱۰۳؛ ابن خردادبه ۱۳۷۱: ۲۴؛ ابن‌رسته ۱۸۹۲: ۱۶۷ - ۱۶۸؛ مقدسی ۱۳۶۱: ۵۹۹ - ۶۰۰؛ حمدالله مستوفی ۱۳۳۶: ۱۶۴) که از مناطق غربی کشور، از جمله شهرهای اسدآباد، کنگاور، بیستون عبور می‌کرده است؛
۲. مسیر همدان - قزوین (اصطخری ۱۳۴۰: ۱۶۳)، که از شهرهای رزن و آوج می‌گذشته است؛
۳. راه جنوبی همدان (راه دمه و رامن و خوزستان)، که از شهرهای جوکار، ملایر، بروجرد به سوی مناطق جنوبی کشور امتداد داشته است (همان: ۱۶۳)؛
۴. مسیر همدان - ساوه (ابن خردادبه ۱۳۷۱: ۲۵؛ ابن‌رسته ۱۸۹۲: ۱۶۷ - ۱۶۸)، که از

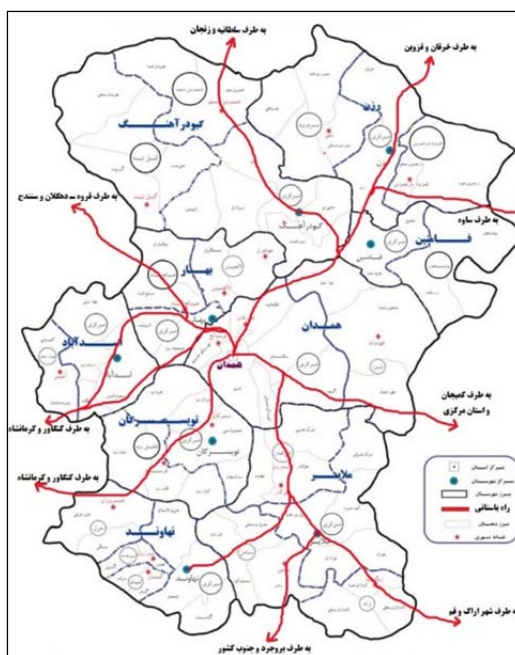
بخش های شرقی همدان از جمله شهرهای رزن، فامنین، غرق آباد عبور می کرده است؛ ۵. راه همدان - سلطانیه (حمدالله مستوفی ۱۳۳۶: ۱۶۴)، راه شمالی که از شهرهای شیرین سو و کبودرآهنگ گذر می کرده است.

اولیا چلبی (۱۳۱۴: ۳۴۶) که در اواسط دوره صفوی به شهر همدان سفر کرده است از چهار دروازه آن به نام های دروازه قم، بیستون، درگزین، و بغداد نام می برد که احتمالاً از مهم ترین مسیرهای ارتباطی همدان با مناطق مذکور در آن زمان به شمار می رفتند. در دوره قاجار نیز، باتوجه به نوشته های سیاحان خارجی، راه اصلی تهران به کربلا و بغداد (بغداد به تهران) از دشت همدان عبور می کرده است (پولاک ۱۳۶۸: ۳۰۹؛ گروته ۱۳۶۹: ۱۸۳؛ کرزن ۱۳۷۳: ج ۲، ۶۸۶). جیمز موریه، در همین دوره، همدان را از شاه راه های بازرگانی شمال برای تجارت با بغداد از طریق کرمانشاه برمی شمرد (موریه ۱۳۸۶: ۳۰۹). مسیر تجاری تبریز به اصفهان نیز با عبور از دشت همدان میسر بوده است. در نقشه ترسیمی اوژن فلاندن (Flandin 1851 a: 24)، از شهر همدان و حومه اش، به چهار مسیر ارتباطی اصلی این شهر با شهرهای اطراف اشاره شده است که عبارت اند از مسیر اصفهان، بغداد، بروجرد، و تویسرکان (نقشه ۴). هاینریش بروگش نیز در مورد راه های تجاری همدان آورده است: «همدان چون محل تلاقی چند راه تجاری بزرگ است نسبت به اصفهان اهمیت بیش تری دارد، راه تجاری بغداد به تهران از همدان می گذرد و راه دیگری نیز از آن به مرز ترکیه می پیوندد» (بروگش ۱۳۶۷: ج ۲، ۳۲۶). به علت رونق رفت و آمد کاروان های بازرگانی به شهر همدان، از آن جا به «مرکز انبار مال التجاره» و «انبار ایران» یاد شده است که هر کالا و هر کاروانی که قصد حرکت از این مسیرها را داشته، در این شهر اقامت می کرده است (جکسون ۱۳۸۷: ۱۷۱؛ بارتولد ۱۳۰۸: ۱۸۹؛ زارعی ۱۳۹۰: ۷۵). باتوجه به نوشته های سیاحان، از شهر همدان مایحتاج سایر ولایات و ایالت های مجاور تأمین می شده است و این شهر احتیاجی به تأمین مایحتاج خود از دیگر مناطق، به خصوص بغداد، نداشته است (تاوانیه ۱۳۳۶: ۱۹۷).

به اعتبار اسناد برجای مانده از قرن های نخستین اسلامی تا دوره صفویان، همدان به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی و نزدیکی به مرزهای عراق عرب محل عبور یکی از مهم ترین مسیرهای ارتباطی به شمار می رفت. همه کالاهای صادراتی کشور، به طرف بازارهای غرب، در ابتدا به همدان حمل می شدند و از طریق دو راه شمالی (سندج - موصل - ماردین - ارفا - حلب) و غربی (کنگاور - قرمیسین - بغداد - موصل) و با عبور از کوه های زاگرس به سمت شمال، مرکز و جنوب عراق، به سایر نقاط منتقل می شدند (یعمای و پورشعبانیا ۱۳۹۳: ۴۰؛ نیز بنگرید به نقشه ۵).



نقشه ۴. نقشه اوژن فلاندن و پاسکال کست از شهر همدان و جاده‌های ارتباطی آن در حدود سال‌های ۱۸۴۱ - ۱۸۴۰ م (Flandin 1851 a: 24)



نقشه ۵. مهم‌ترین مسیرهای ارتباطی همدان در دوره اسلامی، به همراه تغییرات نگارنده (سال‌نامه آماری استان همدان ۱۳۹۴ ب)

۲.۳ کشاورزی و باغداری

کشاورزی در طی تاریخ از وجوه غالب معیشتی در تمام شهرها و روستاهای منطقه غرب ایران بوده است. در اسناد مکتوب اسلامی، به ندرت از شهری یاد شده است که فعالیت کشاورزی نداشته باشد. دشت همدان، به علت وضعیت زمین شناسی و اقلیمی ای که پیش تر به آن اشاره شد، از خاک مرغوب و مساعدی به منظور کشاورزی برخوردار است. در این بخش از کشور، کشاورزی به دو صورت معمول دیمی و آبی انجام می گرفته است. این وضعیت کشاورزی در اسناد تاریخی و جغرافیایی دیده می شود (ابن حوقل ۱۳۶۶: ۱۰۵).

در اسناد مکتوب برجای مانده از دوره اسلامی، بارها به وصف وضعیت اقلیمی مساعد، یعنی هوای خوب با آب های سطحی فراوان، اراضی حاصل خیز، فراوانی انواع باغ های میوه، زراعت پررونق با انواع محصولات، ارزانی انواع غله و میوه ها، شهر فراخ نعمت و پربرکت با نرخ های ارزان، تجارت پررونق همدان پرداخته شده است (اصطخری ۱۳۶۸: ۱۶۴؛ جیهانی ۱۳۶۸: ۱۴۱؛ ابن حوقل ۱۳۶۶: ۱۰۵؛ طوسی ۱۳۸۲: ۲۸۰؛ قزوینی ۱۳۷۳: ۵۵۹؛ ابوالفداء ۱۳۴۹: ۴۸۳؛ حمدالله مستوفی ۱۳۳۶: ۸۰؛ اعتمادالسلطنه ۱۳۶۸: ج ۴، ۲۰۷۷؛ تاواریه ۱۳۳۶: ۱۹۷). باتوجه به اقلیم و آب و هوای مساعد و اراضی حاصل خیزی که همدان داشته است، رشد و پرورش انواع محصولات زراعی و باغی در آن رایج بوده است. وجود مسیرهای ارتباطی متعدد از این منطقه نیز موجب رونق هرچه بیشتر تجارت همدان با مناطق هم جوار می شده است. به همین دلیل، این دو عامل اساسی در بیش تر اسناد مکتوبی که از این شهر یاد کرده اند، به وضوح دیده می شود.

۱.۲.۳ غلات و حبوبات

در طی تاریخ، کشت انواع غلات از مهم ترین الگوهای معیشتی غالب در دشت همدان - بهار بوده است. فراوانی انواع غلات و حبوبات رایج و اثرگذار در زندگی مردمان این منطقه از مواردی است که بارها در متون تاریخی به آن ها اشاره شده است (ابن حوقل ۱۳۶۶: ۱۰۲؛ طبری ۱۳۷۴: ۱۱۶؛ ابن فقیه همدانی ۱۳۴۹: ۳۹؛ خاقانی ۱۳۵۷: ۹۰). باتوجه به اقلیمی که همدان در آن قرار دارد، باروری انواع گونه های متعدد غلات در آن بسیار بوده است (حمدالله مستوفی ۱۳۳۶: ۸۰). اولیا چلبی، در دوره صفویه، بخشی از محصولات کشاورزی رایج در همدان را گندم دانه روشن، انواع جو، پنبه کوهی، پرنجی، که غله ای شبیه به گندم بود، اما از آن باریک تر و ضعیف تر، برشمرده است (چلبی ۱۳۱۴: ۳۴۹). تاواریه، در همین

دوره، اراضی همدان را بسیار حاصل خیز توصیف کرده و بیان کرده است که محصولات گندم و برنج بسیار در این شهر تولید می‌شود و این اقلام به همه ایالات مجاور آن حمل می‌شوند (تاواریه ۱۳۳۶: ۱۹۷). در دوره قاجار، همدان از ولایت‌های غله خیز ایران به‌شمار می‌رفته است (پولاک ۱۳۶۸: ۳۵۸). در همین دوره، برخی دیگر از سیاحان نیز به فراوانی برنج و انواع حبوبات مرغوب این منطقه اشاره کرده‌اند (اولیویه ۱۳۷۱: ۵۰ - ۵۱).

سلطان محمد میرزا قاجار، ملقب به سیف‌الدوله، در سیاحت‌نامه خود، برخلاف اشاره تاواریه و سایر مورخان به کشت فراوان برنج در همدان، نوشته است: «... گندم این ولایت بسیار مرغوب است و به‌جز کشت برنج همه اقسام زراعی در این شهر دیده می‌شود [...]» (سلطان محمد میرزا ۱۳۶۴: ۲۷۷). باتوجه به وضع اقلیمی همدان با آب‌وهوای سرد و خشک برای کشت برنج، به‌نظر می‌رسد که این کشت احتمالاً در قرن‌های گذشته از محصولاتی به‌شمار می‌رفته که مقدار تولید آن در این‌جا بسیار ناچیز بوده است.

۲.۲.۳ زعفران

کشت وسیع زعفران مرغوب و ممتاز از دیگر محصولات کشاورزی رایج در همدان بوده است که بارها در متون تاریخی به آن اشاره شده است (ابن‌حوقل ۱۳۶۶: ۱۰۲؛ طبری ۱۳۷۴: ۱۱۶؛ ابن‌فقیه همدانی ۱۳۴۹: ۳۹؛ خاقانی ۱۳۵۷: ۹۰؛ یاقوت حموی ۱۳۸۰: ج ۲، ۵۵۹؛ شاردن ۱۳۳۶: ج ۴، ۵۷). این کشت در ادوار گذشته باتوجه به وجود آب‌وهوای سرد و نیمه خشک در این بخش از کشور محصولی رایج بوده است. علاوه بر همدان، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که کشت زعفران در سایر شهرهای مجاور آن، از جمله تویسرکان و نهاوند و بروجرد، رواج داشته است (حمدالله مستوفی ۱۳۳۶: ۸۲).

۳.۲.۳ محصولات میوه

باغستان و میوه‌های همدان از دیگر الگوهای معیشتی اساسی است که از قرن‌های نخستین اسلامی تا دوره قاجار در متون تاریخی و سفرنامه‌ها بارها توصیف آن‌ها آمده است. فراوانی باغستان‌ها، بوستان‌های وسیع، کیفیت خوب میوه‌های همدان و ارزانی آن‌ها از جمله مواردی است که در اسناد مکتوب به آن‌ها اشاره شده است (اصطخری ۱۳۶۸: ۱۶۴؛ جیهانی ۱۳۶۸: ۱۴۱؛ ابن‌حوقل ۱۳۶۶: ۱۰۵؛ حمدالله مستوفی ۱۳۳۶: ۸۰؛ ابوالفداء ۱۳۴۹: ۴۸۳). در میان مورخان دوره اسلامی، اولیا چلبی تصویر واضحی از انواع میوه‌های همدان ارائه می‌دهد و در این باره نوشته است: «این شهر دارای باغ‌های فراوانی است. در باغ‌های این شهر زیتون،

آلوی سرخ و زرد، آلوی بخارا، گلابی گیلانی مشهور است. انگورهای این شهر تلخ است، اما درختان انار، لیمو، تورنج، و انجیر آن تحسین کننده است» (چلبی ۱۳۱۴: ۳۴۹). در دوره قاجار، تاکستان‌های انبوه و باغ و بوستان‌های وسیع شهر همدان بسیار مشهور بوده است (کرزن ۱۳۷۳: ج ۱، ۷۱۹). گاسپار دروویل (۱۳۶۵: ۳۶۷) نیز در همین دوره به شهرت باغ‌های همدان و خوبی میوه‌هایش اشاره کرده است.

جدول ۱. انواع محصولات زارعی و باغی رایج در همدان در دوره اسلامی
به اعتبار اسناد مکتوب (نگارندگان ۱۳۹۶)

ردیف	انواع محصولات زارعی و باغی رایج	نام مورخ و جغرافی نویس	قرن و یا تاریخ تألیف اثر
۱	انواع غلات، حبوبات، و زعفران	ابن فقیه همدانی	۲۹۰ ق
۲	انواع غلات، حبوبات، زعفران، باغستان‌ها و بوستان‌های وسیع	ابن حوقل	قرن ۴ ق
۳	باغستان‌ها و بوستان‌های وسیع	اصطخری	قرن ۳ و ۴ ق
۴	باغستان‌ها و بوستان‌های وسیع	جهانی	قرن ۳ و ۴ ق
۵	انواع غلات، حبوبات، و زعفران	طبری	۳۵۲ ق
۶	فراوانی انواع غلات و زعفران	خاقانی	۵۵۱ ق
۷	باغستان‌ها و بوستان‌های وسیع	ابوالفداء	۷۲۱ ق
۸	زعفران	یاقوت حموی	قرن ۷ ق
۹	باغستان‌ها و بوستان‌های وسیع	مستوفی قزوینی	۷۴۰ ق
۱۰	گندم دانه‌روشن، انواع جو، پرنجی، زیتون، آلوی سرخ و زرد، آلوی بخارا، گلابی، انگور، لیمو، ترنج، و انجیر	اولیا چلبی	۱۰۶۵ ق
۱۱	گندم و برنج	تاوارنیه	۱۰۸۱ ق
۱۲	زعفران	شاردن	۱۰۹۸-۱۰۹۷ ق
۱۳	برنج و انواع حبوبات	اولویه	۱۲۱۰ ق
۱۴	انواع میوه‌های خوب	دروویل	۱۲۲۸-۱۲۲۷ ق
۱۵	انواع اقسام زارعی به جز برنج	سلطان محمد میرزا قاجار	۱۲۸۰ ق
۱۶	انواع غلات	پولاک	۱۲۸۲ ق
۱۷	تاکستان انگور، باغ و بوستان‌های وسیع	کرزن	۱۳۰۹ ق

۳.۳ صنایع تولیدی و مشاغل رایج

همدان، با پیشینه تاریخی کهن، گنجینه‌ای ارزشمند از صنایع دستی نیاکان خود را به یادگار دارد. در قرن‌های نخستین اسلامی پیشه‌ها و صنعت‌های زرگری، پارچه‌فروشی، ساخت انواع ظروف فلزی، صرافی در این شهر رونق داشته است (احمدی‌منش ۱۳۹۰: ۱۷-۱۸؛ اذکایی ۱۳۸۰: ۱۶۹). در میان اسناد مکتوب دوره اسلامی، مقدسی مورخ قرن چهارم هجری قمری، نخستین کسی است که از مشاغل مهم شهر همدان زرگری را نام برد و از بازار زرگران در همدان یاد می‌کند (مقدسی ۱۳۶۱: ۵۸۵-۵۸۶). پس از چند قرن، یعنی در قرن هشتم هجری قمری، حمدالله مستوفی در *نزهة القلوب*، زرگری را از پیشه‌های مشهور این شهر دانسته است (حمدالله مستوفی ۱۳۳۶: ۱۱۵). با توجه به وجود معادن طلا و بهره‌برداری از آن در همدان، احتمالاً طلاسازی در قرن‌های گذشته از حرفه‌های رایج در همدان بوده است. در متون قرن‌های سوم و چهارم هجری قمری به مهارت و زبردستی و آشنایی مردم همدان در ساختن اسلحه، بخوردان، انواع آینه، کفچه‌خوان، طبل‌های مذهب اشاره شده است (ابن فقیه ۱۳۴۹: ۲۶؛ مقدسی ۱۳۶۱: ۳۷۴). جرفادقانی، صاحب ترجمه تاریخ یمینی، در قرن ششم هجری قمری، از کهنه‌فروشان همدان به یکی از حرفه‌های رایج مردم این شهر یاد کرده است و از بازار کهنه‌فروشان نام برده است (جرفادقانی ۱۳۵۷: ۴۳۱). از دیگر پیشه‌های رایج مردم همدان در دوره قاجار عطاری بود که درباره رونق اقتصادی آن در بازار همدان به تفصیل سخن رانده شده است (گروته ۱۳۶۹: ۲۰۱). صنعت دباغی نیز از حرفه‌های رایج این شهر در همین دوره است که زبان‌زد مردمان داخل و خارج از کشور بوده است، به طوری که در گذشته مردمان این شهر را بدین حرفه می‌شناختند (هالینگبری ۱۳۸۰: ۱۷۱؛ جکسون ۱۳۸۷: ۱۷۱-۱۷۲).

علاوه بر موارد ذکر شده، کفاشی و قلم‌دان‌سازی نیز از دیگر صنایع تولیدی مشهور همدان در دوره قاجار به‌شمار می‌رفته است و در منابع، درباره روش‌های عمل‌آوری و تولید آن توضیحات کامل آمده است (بروگش ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۰۵). هم‌چنین صنعت کفاشی از صنایع پررونق و تجاری همدان است که ریشه در صنعت دباغی و چرم‌سازی این شهر در قرن‌های گذشته دارد. صنایع رایج و پررونق همدان را هم در دوره قاجار چنین برشمرده‌اند: تولید ظرف‌های مسی، سکه‌های تقلبی، طلاسازی، و نقره‌کاری (کرزن ۱۳۷۳: ج ۱، ۷۱۹).

۱.۳.۳ تولید چرم

از جمله مهم ترین صنایع دستی همدان آثار چرمین است که از قدمت دیرینه ای برخوردار است. به طوری که صنعت دباغی، سراجی (زین سازی)، و چرم دوزی این شهر در دوره قاجار مشهور و کم نظیر بوده است (سلطان محمد میرزا ۱۳۶۴: ۲۷۷؛ بروگش ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۰۵؛ هالینگبری ۱۳۸۰: ۱۷۱). همدانی ها طی تاریخ در زمینه تولید و عمل آوری چرم و دباغی مهارت ویژه ای در بین ایرانیان داشته اند (سالور ۱۳۷۴: ۳۷۶). در دوره قاجار، چرم های ساغری به رنگ سبز قوس فزحی (رنگین کمانی) این منطقه ممتاز بوده است (پولاک ۱۳۶۸: ۳۸۳). جیمز موریه، در سفر دومش به همدان (۱۸۱۰ - ۱۸۱۶ م)، درباره چرم این شهر نوشته است: «چرم همدانی زبان زد است. مردم آن را سخت نمک سود کرده، برای پوشش چمدان، زین، چادر، و جز آن به کار می برند» (موریه ۱۳۸۶: ۳۰۹). جورج کرزن همدان را مرکز عمده دباغی و چرم سازی ایران برمی شمرد و اشاره می کند که جنسی که در اروپا به چرم روسی معروف است در حقیقت در همدان تهیه می شده است (کرزن ۱۳۷۳: ج ۲، ۶۰۷). وی ذیل توصیفات خود از همدان مهم ترین محصول محلی این شهر را آثار چرمی دانسته است (همان: ج ۱، ۷۱۹). در برخی دیگر از نوشته های او آخر دوره قاجار، همدان، به دلیل شهرت مردمانش در صنعت چرم سازی، به شهر دباغ خانه ها معروف شده است (جکسون ۱۳۸۷: ۱۷۲).

۲.۳.۳ نساجی و بافندگی

از جمله صنایع تولیدی همدان منسوجات بوده است که در متون تاریخی بارها به آن اشاره شده است. در قرن های گذشته، فرش نمدی از تولیدات مشهور همدان به شمار می رفته که از کیفیت ویژه ای در سطح کشور برخوردار بوده است (موریه ۱۳۸۶: ۳۰۹). چنان که می بینیم هانری رنه دو دالمانی از فرش همدانی، که با پشم شتر و رنگ طبیعی همراه با نقش های زیبا و نیز بیش تر از پشم های سفید مایل به زرد تهیه می شده، به «سبک همدانی»، در میان سبک های مختلف فرش بافی در ایران، یاد کرده است. هم چنین همدان را از مراکز عمده فروش فرش در ایران معرفی کرده است (دالمانی ۱۳۳۵: ۱۳۴ - ۱۳۸). ارنست اورسل نیز در سفرش به همدان به فرش هایی که به تقلید از نقشه های اروپایی در آن جا بافته می شده، اشاره کرده است (اورسل ۱۳۸۲: ۲۴۴). در اوایل دوره قاجار، در همدان، پارچه های حریری و ریسمانی، که به وسیله پنبه های تولید شده در همین شهر بافته می شدند، مرغوب و با کیفیت بودند

(اولیویه ۱۳۷۱: ۵۰). به‌اعتبار منابع متأخر، نمدهای بافتِ همدان، که از موی بز تهیه می‌شد، به‌لحاظ شفافیت و ظرافت خاص همانند ابریشم بودند (پولاک ۱۳۶۸: ۳۸۱). از دیگر حرفه‌های رایج و وابسته به صنعت نساجی و بافندگیِ همدان در دوره قاجار، که از آن در اسناد مکتوب سخن رفته است، رنگ‌رزی و نمدمالی است (بروگش ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۰۵).

۴.۳ معادن

درباره معادن تجاری همدان اطلاعات چندانی در اسناد مکتوب دیده نمی‌شود. نخستین اشاره به استخراج از معادن این منطقه در سفرنامه ابودلف خزرچی است. وی در این باره نوشته است:

خاک همدان تماماً با طلا آمیخته است. ذغال سنگ در آن جا کم‌یاب است. طلایی که به‌دست می‌آید، معادل آن هزینه استخراج دارد. سودی از آن حاصل نمی‌شود [...] و به‌جز معدن سطحی سنگ سنباده، معدن دیگری در آن جا یافت نمی‌شود (ابودلف خزرچی ۱۳۵۴: ۶۸).

این استخراج و جمع‌آوری طلا در دوره قاجار در دامنه‌های کوه الوند و مزارع همدان از طریق شست‌وشو دیده می‌شود (پولاک ۱۳۶۸: ۳۷۳؛ جکسون ۱۳۸۷: ۱۸۵؛ سلطان‌محمد میرزا ۱۳۶۴: ۲۷۸). علاوه‌بر آن، همدان در دوره صفویه از مراکز اصلی استخراج و تولید سنگ مرمر و سنگ‌لوح معرفی شده است (شاردن ۱۳۳۶: ج ۴، ۹۵ - ۹۶).

جدول ۲. انواع صنایع تولیدی و معادن و مشاغل رایج در همدان در دوره اسلامی براساس اسناد مکتوب (نگارندگان ۱۳۹۶)

ردیف	صنایع و معادن و حرفه‌های رایج در همدان	نام مورخ و جغرافی‌نویس	قرن و یا تاریخ تألیف اثر
۱	اسلحه‌سازی، ساخت انواع آینه، بخوردان‌سازی، طبل‌سازی، تولید کفچه‌خوان	ابن فقیه همدانی	۲۹۰ ق
۲	استخراج طلا و سنگ سنباده از معادن	ابودلف خزرچی	۳۴۱ ق
۳	بازار زرگرها، اسلحه‌سازی، ساخت انواع آینه، بخوردان‌سازی، طبل‌سازی، تولید کفچه‌خوان	مقدسی	۳۷۵ ق
۴	بازار کهنه‌فروشان	جرفادقانی	اواخر قرن ۶ ق
۵	بازار زرگرها	مستوفی قزوینی	۷۴۰ ق
۶	استخراج و تولید سنگ مرمر و سنگ‌لوح	شاردن	۱۰۹۷-۱۰۹۸ ق

۷	تولید پارچه‌های حریری و ریسمانی با استفاده از پنبه	اولیویه	۱۲۱۰ ق
۸	صنعت دباغی، سراجی، و چرم‌دوزی بی نظیر	هالینگبری	۱۲۱۵ ق
۹	تولید چمدان، زین و چادر با استفاده از چرم، تولید فرش نمودی	موریه	۱۲۳۳ ق
۱۰	کفاشی، قلم‌دان‌سازی، سراجی، چرم‌دوزی، نمودمالی، و رنگ‌رزی	بروگش	۱۲۷۷ ق
۱۱	صنعت دباغی، سراجی، چرم‌دوزی، و جمع‌آوری طلا از طریق شست‌وشو	سلطان‌محمد میرزا قاجار	۱۲۸۰ ق
۱۲	تولید چرم‌های ساغری به رنگ سبز قوس قرچی، نمودمالی با موی بز، جمع‌آوری طلا از طریق شست‌وشو	پولاکی	۱۲۸۲ ق
۱۳	تولید فرش با طرح‌های فرنگی	اورسل	۱۳۰۲ ق
۱۴	تولید ظروف مسی، سکه‌های تقلبی، تولید انواع آثار چرمی، دباغی، طلاسازی، و نقره‌کاری	کرزن	۱۳۰۹ ق
۱۵	صنعت دباغی و جمع‌آوری طلا از طریق شست‌وشو	جکسون	۱۳۲۴ ق
۱۶	بازار عطاری‌ها	گروته	۱۳۲۵ ق
۱۷	تولید فرش به سبک همدانی	دالمانی	۱۳۲۵ ق
۱۸	تولید و عمل‌آوری چرم و دباغی	سالور	۱۳۳۹ ق

۵.۳ تجارت و بازرگانی

باتوجه به قرارگیری همدان بر سر مسیرهای اصلی کشور، این منطقه در گذر تاریخ از تجارت فعال و پررونق برخوردار بوده است. به عبارتی دیگر، همدان به علت قرارداشتن در مسیر اصلی جاده ابریشم، از قرن‌ها پیش، یکی از مراکز مهم مبادلات تجاری به‌شمار می‌رفته است و حتی تا اواخر دوره قاجار بخش زیادی از مبادلات ایران با غرب از طریق همدان و بغداد انجام می‌گرفته است (ملازاده و محمدی ۱۳۷۹: ۲۳۸). به این تجارت پررونق در منابعی که همدان را توصیف کرده‌اند، اشاره صریح شده است. نخستین بار، مقدسی در قرن چهارم هجری قمری از صدور پارچه، زعفران، اسپیدروی، روباه، سمور، پوتین، پنی، قماش متنوع از این شهر به سایر نقاط اشاره می‌کند (مقدسی ۱۳۶۱: ۵۹۲). ابن حوقل درباره وضع اقتصادی همدان در همین دوره نوشته است: «[...] و در آنجا، قیمت‌ها ارزان است و گوسفند و لبنیات و پنیر و انواع کالاهای بازرگانی و ... فراوان است» (ابن حوقل ۱۳۶۶: ۱۰۲).

اولیا چلبی، درباره سفرش به همدان به سال ۱۰۶۵ ق، می‌نویسد که بسیاری از آهن‌گران و بازرگانان هند، سند، روم، عرب، و فارس در این شهر اقامت گزیده‌اند و در انواع کالاهای و پارچه‌ها تجارت می‌کنند (چلبی ۱۳۱۴: ۳۵۰). باتوجه به تولید وافر گندم و برنج در همدان در دوره صفویه، تجارت این اقلام به سایر نواحی ایران پررونق بوده است (تاواریه ۱۳۳۶: ۱۹۷).

شهر همدان در دوره قاجار حاکم‌نشین منطقه‌ای پرجمعیت و مرکز توزیع جنس‌های تجاری به مناطق وسیع‌تر بوده است (پولاک ۱۳۶۸: ۳۰۹؛ گروته ۱۳۶۹: ۱۸۳؛ کرزن ۱۳۷۳: ج ۲، ۶۸۶). انواع لباس، زعفران، اقسام زنبیل‌ها، پوست روباه و سمور، پنیر همدان از کالاهایی بوده‌اند که در این دوره به مناطق دیگر فرستاده می‌شدند (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۸: ج ۴، ۲۰۹۸). همان‌طور که گفته شد، مهم‌ترین و شاخص‌ترین صنعت همدان، که بارها در اسناد مکتوب متأخر درباره آن سخن رفته است، چرم‌سازی بوده است. ویلیامز جکسون در اواخر دوره قاجار در خصوص رونق تجارت و بازرگانی شهر همدان نوشته است:

بازرگانان از این شهر به عنوان انبار ایران یاد می‌کنند. از جمله کالاهای بازرگانی اجناس چرمی را باید نام برد، زیرا همدان شهر دباغ‌خانه‌هاست و همدانیان در ساختن و پرداختن و عمل‌آوردن پوست گاو و گوسفند و ساختن اشیا [ی] مفید و اجناس تجملی از آن‌ها مشهورند (جکسون ۱۳۸۷: ۱۷۱ - ۱۷۲).

بارتولد به نقل از تومانسکی تجارت و بازرگانی بازار همدان در دوره قاجار را، چنین توصیف کرده است: «بازار وسیع و بارونق همدان از مال التجاره انگلیس - هند مملو است. کاروان‌هایی که حامل مال التجاره مزبوره هستند از همدان به طهران و از طریق آوه به رشت می‌روند» (بارتولد ۱۳۰۸: ۱۸۹).

جدول ۳. تجارت و بازرگانی رایج در همدان در دوره اسلامی براساس اسناد مکتوب (نگارندگان ۱۳۹۶)

ردیف	تجارت و بازرگانی رایج در همدان	نام مورخ و جغرافی‌نویس	قرن و یا تاریخ تألیف اثر
۱	تجارت پارچه، زعفران، اسپیدروی، روباه، سمور، پوتین، پنیر، قماش متنوع از شهر همدان به سایر نقاط	مقدسی	۳۷۵ ق
۲	ارزانی و فراوانی و تجارت پررونق گوسفند و لبنیات و پنیر و دیگر کالاهای بازرگانی از شهر همدان به سایر نقاط	ابن حوقل	قرن ۴ ق
۳	سکونت آهن‌گران و بازرگانان هند، سند، روم، عرب، و فارس در شهر همدان که به تجارت در انواع کالاها و پارچه‌ها مشغول‌اند	اولیا چلبی	۱۰۶۵ ق
۴	تولید وافر گندم و برنج در همدان و تجارت این اقلام به سایر نواحی ایران	تاواریه	۱۰۸۱ ق
۵	مرکز توزیع جنس‌های تجاری به مناطق وسیع‌تر	پولاک، کرزن، گروته	۱۲۸۲ ق ۱۳۰۹ ق ۱۳۲۵ ق
۶	تجارت انواع لباس، زعفران، اقسام زنبیل‌ها، پوست روباه و سمور، پنیر و ... از همدان به سایر مناطق	اعتمادالسلطنه	عهد ناصر
۷	تجارت آثار چرمی مرغوب	جکسون	۱۳۲۴ ق
۸	تجارت اجناس انگلیسی و هندی از شهر همدان به سایر نقاط	بارتولد	۱۳۱۸ ق

۴. نتیجه گیری

بررسی جغرافیای اقتصادی یک منطقه از مؤلفه‌های اساسی در مطالعه الگوهای معیشتی و فرهنگی و اجتماعی مردمان ساکن در آن منطقه است. به طور کلی، مهم‌ترین عناصر اثرگذار در سیمای معیشتی دشت همدان - بهار دو عامل ارتباطی و زیست‌محیطی است که در ذیل توصیف این منطقه در اسناد مکتوب دوره اسلامی دیده می‌شود. عبور مسیرهای ارتباطی مهم از دشت همدان - بهار، مانند مسیر اصلی جاده ابریشم، مسیر فرعی جاده خراسان بزرگ، جاده شاهی، جاده عتبات دوره اسلامی، و مسیرهای ارتباطی به سوی مناطق غربی و شمال غربی و جنوبی کشور، موجب رونق فعالیت‌های بازرگانی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آن جا بوده است. به طوری که گاهی تاجران ملل غربی و شرقی در این شهر به تجارت انواع کالاها می‌پرداختند. موقعیت جغرافیایی این منطقه با اقلیم مرطوب و کوهستانی و آب‌های سطحی و زیرسطحی مطلوب بوده و نیز خاک مساعد با توان کشت و باروری بالا به منظور کشاورزی و باغداری از علل رونق اقتصادی همدان است. علاوه بر آن، وجود ذخایر معادن سنگی و معادن محدود طلا را باید بدان افزود. مجموع این عوامل در کنار هم رونق تجارت، کشاورزی، و دام‌پروری و به تبع آن بهبود وضعیت معیشتی مردمان ساکن در این منطقه را در پی داشته است. در میان محصولات کشاورزی، انواع حبوبات و گندم و جو و انگور و در میان صنایع تولیدی، صنعت چرم‌سازی و دباغی و منسوجات به ترتیب از جمله مهم‌ترین اقلام مصرفی و تولیدی این شهر در دوره اسلامی بودند. در این جا، تولیدات صنعتی و کشاورزی به دو صورت خام و عمل‌آوری شده در اختیار تاجران و خریداران و مصرف‌کنندگان قرار می‌گرفت. با توجه به مازاد محصولات تولیدی در همدان، انواع کالاها از این منطقه به مناطق هم‌جوار فرستاده می‌شد که بر اثر آن خودکفایی و رونق اقتصادی همدان هم، در محدوده زمانی مورد مطالعه، روزافزون می‌شد.

کتاب‌نامه

- آذرخش، مریم و ابوالحسن فیاض انوش (۱۳۹۴)، «جغرافیای اقتصادی ماوراءالنهر از منظر مورخان و جغرافی دانان مسلمان»، *ره‌یافت تاریخی*، ش ۱۰.
- آقامحمدی، مهدی و حسین شرفی (۱۳۹۰)، *تحلیلی بر پراکنندگی جغرافیایی ایلات و عشایر استان همدان*، تهران: قومس.
- ابن حوقل، محمد بن حوقل (۱۳۶۶)، *سفرنامه ابن حوقل؛ ایران در صورته الارض*، ترجمه و توضیح جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.

- ابن‌خردادبه، عبدالله بن عبدالله (۱۳۷۱)، *مسالک و ممالک*، ترجمه سعید خاکرند، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل و مؤسسه فرهنگی حنفاء.
- ابن‌رسته، احمد بن عمر (۱۸۹۲)، *الاعلاق النفیسه*، لیدن: مطبعة بریل؛ بیروت: دار صادر.
- ابن‌فقیه همدانی، احمد بن محمد (۱۳۴۹)، *ترجمه مختصر البلدان*، ترجمه ح. مسعود (محمدرضا حکیمی)، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی (۱۳۴۹)، *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابودلف خزرجی، مسعر بن مهلهل (۱۳۵۴)، *سفرنامه ابودلف در ایران؛ در سال ۳۴۱ هجری*، با تعلیقات و تحقیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: زوار.
- احمدی‌منش، محمد (۱۳۹۰)، «جغرافیای تاریخی و شهری همدان در سده‌های نخستین اسلامی»، *تاریخ اسلام در آیین پژوهش*، ش ۲۹.
- اذکایی، پرویز (۱۳۸۰)، *همدان‌نامه؛ بیست گفتار درباره مادستان*، همدان: مادستان.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (۱۳۴۰)، *مسالک و الممالک*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۸)، *مرآة البلدان*، به تصحیح و کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.
- اورسل، ارنست (۱۳۸۲)، *سفرنامه قفقاز و ایران*، ترجمه علی اصغر سیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱)، *سفرنامه اولیویه؛ تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار*، ترجمه محمدطاهر میرزا، تصحیح و حواشی غلامرضا وهرام، تهران: اطلاعات.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۰۸)، *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه حمزه سردادور، تهران: اتحادیه.
- باکینگهام، جیمز (۱۳۸۰)، *سفرنامه همدان جیمز باکینگهام*، ترجمه منیژه اذکایی، در: *همدان‌نامه؛ بیست گفتار درباره مادستان*، تألیف و گردآوری پرویز اذکایی، همدان: مادستان.
- بروگش، هاینریش کارل (۱۳۶۷)، *سفری به دربار سلطان صاحبقران ۱۸۵۹ - ۱۸۶۱*، ج ۱ و ۲، ترجمه کردبچه، تهران: اطلاعات.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهانمندی، تهران: خوارزمی.
- تاوانیه، ژان باتیست (۱۳۳۶)، *سفرنامه تاوانیه*، ترجمه ابوتراب نوری، با تجدیدنظر کلی و تصحیح حمید ارباب شیرانی، تهران: کتابخانه سنایی.
- جرفادقانی، ناصر بن ظفر (۱۳۵۷)، *ترجمه تاریخ یمینی*، به اهتمام جعفر شعار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- جکسون، آبراهام والتاین ویلیامز (۱۳۸۷)، *سفرنامه جکسن: ایران در گذشته و حال*، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، علمی و فرهنگی.
- جهان‌پور، علی (۱۳۹۱)، *شکوه الوند*، همدان: برکت کوثر.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸)، *اشکال العالم*، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، تهران: به‌نشر.
- چلبی، اولیا (۱۳۱۴ ق)، *سیاحت‌نامه اولیا چلبی*، ج ۴، استانبول: مطبعه سی.
- حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر (۱۳۳۶)، *نزهة القلوب*، به‌کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: طهوری.
- خاقانی شروانی، بدیل بن علی (۱۳۵۷)، *تحفة العراقین*، به‌اهتمام یحیی قریب، تهران: امیرکبیر.
- دالماتی، هانری رنه دو (۱۳۳۵)، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.
- دروویل، گاسپار (۱۳۶۵)، *سفر در ایران*، ترجمه منوچهر اعتمادمقدم، تهران: شب‌ویز.
- دوپلانول، ایکس. (۱۳۸۶)، «*جغرافیای اسکان*»، در: *تاریخ ایران کمبریج*، ترجمه تیمور قادری، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- زارع ابیان، حمید (۱۳۹۲)، «*تحلیل مکانی پارامترهای کیفی منابع آب زیرزمینی دشت همدان - بهار*»، *جغرافیا و مخاطرات محیطی*، ش ۸.
- زارعی، محمدابراهیم (۱۳۹۰)، «*ساختار کالبدی - فضایی شهر همدان از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار براساس مدارک و شواهد موجود*»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ش ۱.
- زنده‌دل، حسن (۱۳۷۶)، *مجموعه راه‌نمای جامع ایران‌گردی*، شماره ۲۷، استان همدان، تهران: نشر ایران‌گردان.
- سال‌نامه آماری استان همدان* (۱۳۹۴)، همدان: معاونت آمار و اطلاعات.
- سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه (قهرمان میرزا عین‌السلطنه)*، به‌کوشش مسعود سالور، روزگار پادشاهی ناصرالدین‌شاه، تهران: اساطیر.
- سدهی، مرتضی و علیرضا رحمانی (۱۳۸۳)، «*پیش‌بینی سطح آب‌های زیرزمینی دشت همدان - با مدل سری‌های زمانی*»، *آب و فاضلاب*، دوره ۱۵، ش ۳.
- سلطان‌محمد میرزا قاجار (سیف‌الدوله) (۱۳۶۴)، *سفرنامه سیف‌الدوله معروف به سفرنامه مکه*، به‌تصحیح علی‌اکبر خداپرست، تهران: نشر نی.
- شاردن، ژان (۱۳۳۶)، *سیاحت‌نامه شاردن: آداب و عادات، صنایع و تجارت و نقود ایران*، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- شعبانی، محمد (۱۳۹۴)، *بررسی و تحلیل باستان‌شناختی محوطه‌های استقراری بخش مرکزی شهرستان همدان از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره صفوی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.

- طبری، محمد بن جریر (۱۳۴۷)، *تاریخ‌نامه طبری*، به تصحیح و تحشیه محمد روشن، تهران: البرز.
- طوسی، محمد بن محمود (۱۳۸۲)، *عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات*، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: علمی و فرهنگی.
- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران - فرهنگ جغرافیایی همدان (۱۳۷۶)، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ج ۴۷، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- فرهنگ جغرافیایی شهرستان‌های کشور - شهرستان همدان (۱۳۸۰)، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران: فرهنگ جغرافیایی ارتش.
- فرهنگ جغرافیایی کوه‌های کشور (۱۳۸۱)، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ج ۱، تهران: فرهنگ جغرافیایی ارتش.
- فطرس، محمدحسن (۱۳۶۸)، «جغرافیای اقتصادی و اهمیت آن در (برنامه‌ریزی) توسعه»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۳۰.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه میرزا جهانگیر قاجار، تهران: امیرکبیر.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۱ و ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- گروته، هوگو (۱۳۶۹)، *سفرنامه گروته*، ترجمه مجید جلیلود، تهران: نشر مرکز.
- گروسین، هادی (۱۳۸۳)، *جغرافیای تاریخی و ... زیستگاه‌های دره‌های الوند*، همدان: شهر اندیشه.
- لسترنج، گای (۱۳۶۴)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- محتشم نوری، حسین (۱۳۸۸)، *جغرافیای اقتصادی جهان؛ با تأکید بر فناوری‌های پیشرفته*، تهران: آراد کتاب، کهکشان دانش.
- محمدی، مریم و محمد شعبانی (۱۳۹۵)، «معرفی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی محوطه زینوآباد - بهار، همدان»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ش ۱۱.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن (۱۳۷۲)، «نگرشی در کارکردهای جغرافیای اقتصادی»، *جستارهای ادبی*، ش ۱۰۱.
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علی‌نقی منزوی، ج ۲، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- ملازاده، کاظم و مریم محمدی (۱۳۷۹)، *بناهای عام‌المنفعه (آب‌انبار، بازار، پل و سد، حمام)*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- موریه، جیمز (۱۳۸۶)، *سفرنامه جیمز موریه؛ سفر دوم*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- نوذری، حامد و عادل زالی (۱۳۹۲)، «بررسی وضعیت برداشت از آب زیرزمینی آبخوان دشت همدان - بهار»، *دانش آب و خاک*، ش ۴.

جغرافیای اقتصادی دشت همدان - بهار در دوره اسلام ... ۶۱

هالینگبری (۱۳۸۰)، *روزنامه سفر هیئت سرجان ملکم به دربار ایران در سال‌های ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱*، ترجمه امیر هوشنگ امینی، تهران: کتاب‌سرا.

هول، فرانک (۱۳۸۱)، *باستان‌شناسی غرب ایران*، ترجمه زهرا باستی، تهران، سمت.

یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۰)، *معجم‌البلدان*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

یغمایی، امان‌الله و زهرا پورشعبانیان (۱۳۹۳)، «هویت تاریخی جغرافیای همدان در متون مورخان اسلامی از آغاز تا عصر قاجار»، *سخن تاریخ*، س ۸، ش ۲۰.

Flandin, Eugène (1851 a), *Voyage en Perse Pendant les Années 1840 et 1841*, Paris: MDCCCLI.
<<https://www.googlemape.com>>.